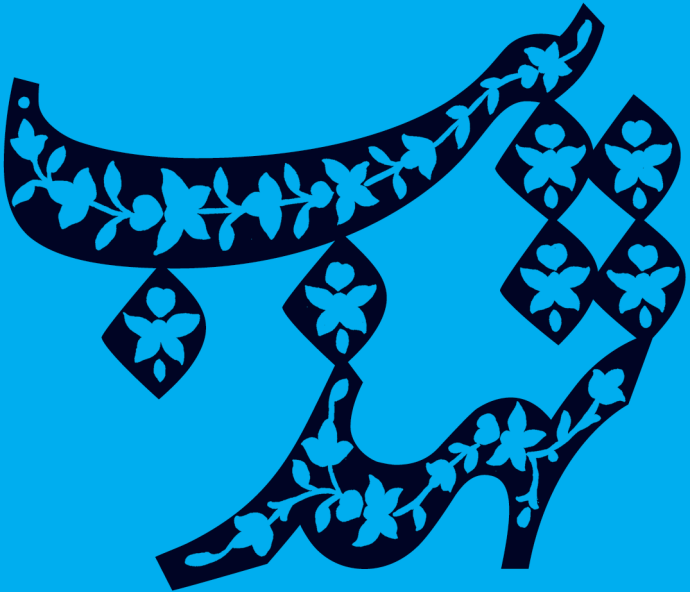
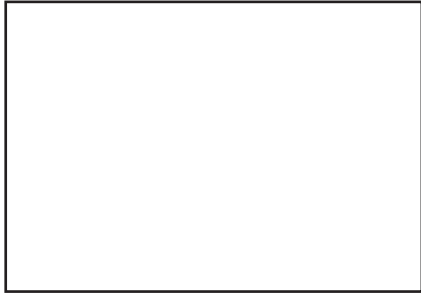




چاند

جواد محدثی





مجموعه گل

چهل حدیث تهذیب

تهیه و تدوین: اداره امور فرهنگی آستان قدس رضوی

نویسنده: جواد محلهی

مدیر هنری و طراح گرافیک: رضا باباجانی

صفحه آرایی: محمود بازدار

تهذیب جلد: سیده فهیمه کاظمی

ناشر: انتشارات قدس رضوی

نوبت چاپ: دوم - ۱۳۹۱

شمارگان: ۳۰۰۰

چاپ: مؤسسه فرهنگی قدس

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۹۴-۷۸-۶

نشانی تهیه کننده: مشهد، حرم مطهر، صحن جامع رضوی

ضلع غربی، اداره امور فرهنگی

تلفن: ۰۵۱۱-۲۰۰۲۵۶۷

صندوق پستی: ۳۵۱-۹۱۷۳۵

حق چاپ محفوظ است.

تهذیب

- ۱ خودیابی
- ۲ خود درمانی
- ۳ محاسبه
- ۴ از خود برای خود
- ۵ پرهیز از معصیت
- ۶ حسابرسی روزانه
- ۷ راه بهشت و جهنم
- ۸ فرزندان آخرت
- ۹ عبادت عاشقانه
- ۱۰ فروتنی و میانه روی
- ۱۱ ارزیابی خویش
- ۱۲ قدرت روحی
- ۱۳ بهتر از دیروز
- ۱۴ مهار خواسته های دل
- ۱۵ صلاح درون و برون
- ۱۶ تیرگی دل
- ۱۷ شرم از رسول خدا
- ۱۸ دنیا نردبان آخرت
- ۱۹ داد و ستد با زمان
- ۲۰ مدیریت زمان

مجموعه گل

درمان گناه	۲۱
معلم خویشتن	۲۲
قیمت انسان	۲۳
تقسیم فرصت	۲۴
خدایی شدن	۲۵
شناخت ارزش	۲۶
بهره گیری از زمینه ها	۲۷
مرز صفات	۲۸
حفظ زبان	۲۹
انتخاب هم نشین	۳۰
ارزش لحظات	۳۱
واعظ درونی	۳۲
عبادت سازنده	۳۳
عیب خویش	۳۴
تلاوت آگاهانه	۳۵
برای خدا	۳۶
خدا ترس	۳۷
پشتکار و مداومت	۳۸
خودخواهی و دیگر خواهی	۳۹
صفات مؤمن	۴۰

پیشگفتار

قدر "مجموعه‌ی گل" مرغ سحر داند و بس...

کلام خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام چونان آفتابی است که زیستن بشر در ظل انوار آن، رنگی آسمانی می‌گیرد و طعمی الهی می‌یابد. پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام، روشنگران طریق سعادتند و با هدایت‌های آن بزرگواران، گام‌های موفقیت و سعادت را در زمینه‌های مختلف زندگی می‌توان برداشت.

"مجموعه‌ی گل" عنوان کلی کتب احادیث موضوعی است که به همت محققان و نویسندگان دینی گرد آمده است و در هر کدام از آن به موضوعی خاص پرداخته شده که زوایای مختلف آن از منظر دین مورد مذاقه قرار گرفته است.

در این مجموعه سعی شده است کاربردی‌ترین موضوعات و مباحثی که نیاز بیشتر جامعه است ارائه شود. همچنین تلاش شده تا احادیثی مطرح شود که از حیث سند متقن باشد.

امید است مجموعه‌ی حاضر، بهانه‌ای شود تا فعالیت‌های گسترده‌ای در نشر آموزه‌های خاندان نور علیهم‌السلام انجام گیرد و جامعه اسلامی سرشار از معارف بلند اهل بیت علیهم‌السلام گردد.

آستان قدس رضوی
معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی
اداره‌ی امور فرهنگی

مقدمه

تا کسی درد را نشناسد چگونه درمانش خواهد کرد؟ و تا کسی نفس و عوالم تو در توی آن را نشناسد چگونه به بالنده ساختن و پیراستن و رشد دادن آن توفیق خواهد یافت؟ مگر نه این که شناخت درد نیمی از درمان است؟ به خصوص در درمان دردهای روحی، امراض درونی و کژی‌های اخلاقی که بسی حساس‌تر، ظریف‌تر، پنهان‌تر و صعب‌العلاج‌تر است نیاز به مربی و راهنما بیشتر احساس می‌شود و "طی این مرحله، بی‌همراهی خضر" چه بسا سالک و پوینده را به "ظلمات" بکشاند.

لوح دل و دفتر جان، صاف و شفاف و نقش پذیر است، دوستی‌ها و انس گرفتن‌ها نیز اثرگذار و نقش نگار و ... یادمان نرود که گرایش نفس انسان به شر و گناه و بی‌قیدی؛ آسان‌تر، بی‌مانع‌تر و پرشتاب‌تر است گفته‌اند که فراهم آوردن فضایل اخلاقی مانند فرا رفتن به قله‌هاست و کسب ردایل همچون سرازیر شدن از بلندی و آن دشوار

است و این آسان؛ آن نیاز به تلاش و مقاومت و ایستادگی دارد اما این، خود به خود انجام پذیر است و نیازی به قوه‌ی قهریه نیست.

رفتن به سوی گناه و نفسانیات، حرکت در مسیر باد و شنا در جهت موافق رود است اما... مجاهده‌ی پرهیز، کنترل، تقوا، مراقبت و کف نفس، تلاشی عظیم را می‌طلبد و خلاصه این که قله پیمایی دشوار است و رفتن به سمت سرازیری و دره آسان.

رسیدن به قله‌ی کمالات و ملکات متعالیه هم، دست کمی از صعود به قله ندارد و «فتح قله‌ی کمال» در سایه رنج‌ها و زحمت‌های جانکاهی است که در طول عمر باید داشت.

برای سلامت روح و عافیت جان و تقویت صفات نیک هم باید تمرین اخلاقی و ریاضت نفسانی داشت تا آن ملکه‌های فضیلت و اخلاق حفظ شود و رشد یابد.

هیچ کس نیست که نخواهد خوب و پاک و مهذب باشد ولی عمده‌ی دشواری، داشتن اراده‌ی جدی و برنامه برای پاک زیستی و

تهذیب نفس است.

خیلی‌ها پیش از "شناخت نفس" می‌خواهند به اصلاح و تهذیب آن پردازند که نمی‌توانند؛ خیلی‌ها هم "درد"‌ها را نمی‌شناسند تا درمان کنند باید درد را "درد" دانست تا به فکر مداوا بود. اگر کسی نپذیرد که بیمار است چگونه انگیزه‌ی مداوا پیدا خواهد کرد؟!

دردِ بزرگ‌تر از خود این بیماری‌ها "احساس نکردن درد" یا "دردندانستن" این بیماری‌هاست. شیوه‌ی ابلیس، پنهان کردن درد و سرپوش گذاشتن روی مرض روحی و کتمان بیماری اخلاقی بشر است، تا به فکر اصلاح نفس نیفتد و پیوسته به عنوان طعمه‌ای در اختیار شیطان بماند. اصلاح نفس، پس از شناخت نفس و ردایلی است که به عنوان "طعمه‌ی ابلیس" در روح و جان ما ریشه می‌دواند. باید دقیق‌تر به خودمان بنگریم و ارزیاب نیات و اعمال و روحیات خویش باشیم.

تا دل و درون پاک نشود و وجود ما صیقل نخورد، فروغ "معرفة..." هم بر آن نخواهد تابید.

فرشته‌ی معرفت، هرگز در خانه‌ی دل و در مأوی قلبی که جایگاه شهوت و کینه و غضب است فرود نمی‌آید؛ این مرحله، جهاد با نفس را می‌طلبد. اگر دل را از غرور و عُجب و خودخواهی و خودبینی پاک کنیم، زمینه ساز تابش آن نور خواهیم بود چرا که آلودگی درونی، غبار چهره‌ی جان است. آیینه‌ی غبار گرفته، چهره‌ای تیره و غیر شفاف نشانمان می‌دهد؛ راهی نیست جز زدودن گرد و غبار از سیمای آیینه تا بتواند جلوه‌گاه نور گردد. قدرت اراده و انتخاب، می‌تواند معجزه کند به شرط آن که انسان از این نعمت الهی و ودیعه‌ی ربانی بهره‌شایسته‌ببرد و بذر وجود را به برگ و بار بنشانند.

می‌دانیم که خشم و غضب، قابل کنترل می‌باشد و جایگزین آن "حلم" است.

شهوت و غریزه جنسی را می‌توان با تقوا مهار کرد و به "عفاف" رسید. حرص و طمع را هم می‌توان با مناعت طبع به بند کشید و بر اریکه‌ی "قناعت" تکیه زد.

بخل و حسد را هم می‌توان درمان کرد و از دام

دنیازدگی رست. نفس سرکش را هم می توان رام ساخت و به جای "اسیر نفس"؛ "امیرنفس" شد. با "محاسبه" و "مراقبه" می توان بر عملکرد خویش نظارت داشت و از غفلت رها شد، می توان تفکر و ذکر یاد خدا را همچون مشعلی فروزان در راه تاریک و پر خطر زندگی فرا راه گرفت؛ می توان از نیمه راه فساد و بدی برگشت؛ می توان از «پل توبه» عبور کرد و در «وادی رحمت» قدم گذاشت.

دریای موج و پر گوهر احادیث اهل بیت علیهم السلام سرشار از رهنمودها، حکمت ها و مواعظی است که در بردارنده ی بهترین دستورالعمل ها برای "تربیت نفس" است. انتخاب چهل گوهر از این اقیانوس گهربار، واقعاً دشوار است؛ آن چه به عنوان "چهل حدیث تربیت نفس" پیش رو دارید، قطره ای از این دریاست که تقدیم شما می شود.

جواد محدثی

۱ خودیابی

— قَالَ عَلِيٌّ ع:

— عَجِبْتُ لِمَنْ يَنْشُدُ ضَالَّتَهُ وَ قَدْ أَضَلَّ نَفْسَهُ
فَلَا يَطْلُبُهَا.

— در شگفتم از کسی که در پی یافتن گمشده خویش
می گردد در حالی که خود را گم کرده و در پی
یافتن خویش نیست!

خود درمانی

قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام:

إِنَّكَ قَدْ جُعِلْتَ طَبِيبَ نَفْسِكَ وَبَيْنَ لَكَ
الدَّاءِ وَ عُرِفَتْ آيَةُ الصَّحَّةِ وَ دَلَّلتَ عَلَي
الدَّوَاءِ، فَانظُرْ كَيْفَ قِيَامِكَ عَلَي نَفْسِكَ.

به یقین تو را طبیب خودت قرار داده‌اند؛ درد و
مرض را بر تو بیان کرده‌اند و نشانه‌های سلامتی
را هم به تو آموخته‌اند و داروی درد را هم به
تو شناسانده‌اند؛ پس بنگر که چگونه به سعادت
خود می‌پردازی (و به خودت می‌رسی)!

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

يَا أَبَا ذَرٍّ حَاسِبْ نَفْسَكَ قَبْلَ أَنْ تُحَاسِبَ،
فَإِنَّهُ أَهْوَنُ لِحِسَابِكَ غَدًا وَ زِنِ نَفْسَكَ
قَبْلَ أَنْ تُوزَنَ، وَ تَجَهَّزْ لِلْعُرْضِ الْأَكْبَرِ يَوْمَ
تُعْرَضُ، لَا تَخْفَى عَلَى اللَّهِ خَافِيَةٌ.

ای ابو ذر! پیش از آن که به حسابت برسند، خودت
به حساب خود برس که این کار حساب فردای تو
را آسان می کند و پیش از آن که تو (و عمل تو) را
وزن کنند، خودت را وزن کن و آماده ی عرضه ی
بزرگ باش؛ آن روز که تو را عرضه می کنند و آن
روز هیچ کار پنهانی بر خداوند پوشیده نمی ماند.


۴

از خود، برای خود

قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام:


خُذْ لِنَفْسِكَ مِنْ نَفْسِكَ، خُذْ مِنْهَا فِي الصَّحَّةِ
قَبْلَ السُّقْمِ، وَفِي الْقُوَّةِ قَبْلَ الضَّعْفِ، وَفِي الْحَيَاةِ
قَبْلَ الْمَمَاتِ.

از خودت برای خودت بهره گیر! از خودت در
دوره‌ی تندرستی پیش از بیماری و در دوره‌ی توانایی
پیش از ناتوانی و در زندگی قبل از مرگ بهره گیر!

پرهیز از معصیت 

قَالَ عَلِيٌّ :

عَجِبْتُ لِمَنْ يَحْتَمِي الطَّعَامَ لِأَدِيَّتِهِ، كَيْفَ لَا
يَحْتَمِي الذَّنْبَ لِأَلِيمِ عُقُوبَتِهِ.

در شگفتم از کسی که از غذا(ی فاسد) به خاطر رنج 
و آزارش پرهیز می کند اما از گناه به خاطر عذاب
دردناکش پروا و پرهیزی ندارد!

۶


حسابرسی روزانه

قَالَ الْكَاطِمُ رضی الله عنه:

لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُحَاسِبْ نَفْسَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ،
فَإِنْ عَمِلَ حَسَنًا اسْتَرَادَ اللَّهَ وَ إِنْ عَمِلَ سَيِّئًا
اسْتَغْفَرَ اللَّهَ مِنْهُ وَ تَابَ إِلَيْهِ.

هر کس که هر روز از خودش حسابرسی نکند
از ما نیست؛ پس اگر کار نیک انجام داده باشد، از
خداوند بخواهد که افزون ترش کند و اگر بد کرده
باشد، از خدا آمرزش بطلبد و به سوی او توبه کند.

راه بهشت و جهنم

قَالَ الْبَاقِرُ :

الْجَنَّةُ مَحْفُوفَةٌ بِالْمَكَارِهِ وَالصَّبْرِ، فَمَنْ صَبَرَ
عَلَى الْمَكَارِهِ فِي الدُّنْيَا دَخَلَ الْجَنَّةَ، وَجَهَنَّمَ
مَحْفُوفَةٌ بِاللَّذَاتِ وَالشَّهَوَاتِ، فَمَنْ أُعْطِيَ
نَفْسَهُ لَذَّتْهَا وَشَهَوْتَهَا دَخَلَ النَّارَ.

بهشت آمیخته به ناگواری‌ها و صبر است؛ هر
کس در دنیا بر ناملایمات و سختی‌ها شکیبایی
کند، وارد بهشت می‌شود. دوزخ هم آمیخته به
کام‌جویی‌ها و خواسته‌های دل است؛ هر کس به
لذت‌جویی‌ها و خواهش‌های دلش جواب مثبت
دهد، وارد آتش جهنم می‌شود.



فرزندان آخرت

— قَالَ عَلِيُّ عليه السلام:

— إِنَّ الدُّنْيَا قَدْ تَوَلَّتْ مُدْبِرَةً وَالْآخِرَةَ قَدْ أَقْبَلَتْ مُقْبِلَةً
وَلِكُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُمَا بَنُونَ، فَكُونُوا مِنْ أَبْنَاءِ الْآخِرَةِ
وَلَا تَكُونُوا مِنْ أَبْنَاءِ الدُّنْيَا فَإِنَّ الْيَوْمَ عَمَلٌ وَ
لِحِسَابٍ وَالْآخِرَةَ حِسَابٌ وَلَا عَمَلَ.

— دنیا پشت کرده و می رود، آخرت هم روی آورده و می آید و هر یک از دنیا و آخرت را فرزندان است؛ پس از فرزندان آخرت باشید و از فرزندان دنیا نباشید! امروز؛ روز عمل است و حسابی نیست و آخرت؛ روز حساب است و مجالی برای عمل نیست.

قَالَ الصَّادِقُ (ع):

إِنَّ الْعِبَادَ ثَلَاثَةٌ: قَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ خَوْفًا
فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ، وَ قَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ تَبَارَكَ وَ
تَعَالَى طَلَبَ الثَّوَابِ، فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَجْرَاءِ، وَ قَوْمٌ
عَبَدُوا اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ حُبًّا لَهُ، فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ، وَ
هِيَ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ.

بندگان سه گروهند: گروهی خدا را از روی ترس
عبادت می‌کنند که این عبادت بردگان است. گروهی
خدای متعال را برای دریافت پاداش می‌پرستند که
این نیز عبادت اجیران است و گروهی هم خدای
متعال را از روی عشق و محبت عبادت می‌کنند که
این عبادت آزادگان است و بهترین عبادت است.

فروتنی و میانه روی

قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام:

مَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ رَفَعَهُ اللَّهُ، وَمَنْ تَكَبَّرَ خَفَضَهُ اللَّهُ،
وَمَنْ اقْتَصَدَ فِي مَعِيشَتِهِ رَزَقَهُ اللَّهُ، وَمَنْ بَدَّرَ
حَرَمَهُ اللَّهُ، وَمَنْ أَكْثَرَ ذِكْرَ الْمَوْتِ أَحَبَّهُ اللَّهُ.

هر کس به خاطر خدا تواضع کند؛ خداوند او را عزت و رفعت می‌بخشد، هر کس تکبر کند؛ خدا او را به پایین می‌کشد هر کس در زندگانی‌اش میانه روی کند؛ خداوند به او روزی می‌دهد، هر کس ولخرجی کند؛ خداوند محرومش می‌سازد و هر کس مرگ را زیاد یاد کند؛ خداوند دوستش می‌دارد.

قَالَ الْبَاقِرُ رضی الله عنه:

إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّ فِيكَ خَيْرًا فَانظُرْ إِلَى قَلْبِكَ، فَإِنْ كَانَ يُحِبُّ أَهْلَ طَاعَةِ اللَّهِ وَ يُبْغِضُ أَهْلَ مَعْصِيَتِهِ فَفِيكَ خَيْرٌ وَ اللَّهُ يُحِبُّكَ، وَإِنْ كَانَ يُبْغِضُ أَهْلَ طَاعَةِ اللَّهِ وَ يُحِبُّ أَهْلَ مَعْصِيَتِهِ فَلَيْسَ فِيكَ خَيْرٌ وَ اللَّهُ يُبْغِضُكَ، وَ الْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ.

هرگاه خواستی بدانی خیری در تو هست یا نه، به دل خودت نگاه کن! اگر دیدی دلت اهل طاعت خدا را دوست دارد و از گناهکاران بدش می آید، در تو خیری هست و خدا دوستت دارد. و اگر دیدی دلت اهل طاعت خدا را دوست ندارد برعکس آن از گناهکاران خوشش می آید، در تو خیری نیست و خدا هم از تو بدش می آید. انسان با کسی است که دوستش دارد.

قدرت روحی

- وَ خَرَجَ ﷺ يَوْمًا وَقَوْمٌ يَدْحُونَ حَجْرًا فَقَالَ:
- أَشَدُّكُمْ مَنْ مَلَكَ نَفْسَهُ عِنْدَ الْغَضَبِ وَ
أَحْمَلُكُمْ مَنْ عَفَا بَعْدَ الْمُقَدَّرَةِ.

- روزی پیامبر خدا ﷺ بیرون آمد در حالی که گروهی سنگی را (به نشانه‌ی زور آزمایی) جابه‌جا می‌کردند؛ پس فرمود:
قوی‌ترین شما کسی است که هنگام خشم، خویشتن‌داری کند و تواناترین شما کسی است که پس از قدرت یافتن عفو کند.

قَالَ الصَّادِقُ (ع):

مَنْ اسْتَوَى يَوْمَاهُ فَهُوَ مُعْبُونٌ، وَ مَنْ كَانَ آخِرُ
يَوْمِيهِ خَيْرُهُمَا فَهُوَ مَغْبُوطٌ، وَ مَنْ كَانَ آخِرُ
يَوْمِيهِ شَرَّهُمَا فَهُوَ مَلْعُونٌ، وَ مَنْ لَمْ يَرَ الزِّيَادَةَ
فِي نَفْسِهِ فَهُوَ إِلَى النُّقْصَانِ وَ مَنْ كَانَ إِلَى
النُّقْصَانِ فَالْمَوْتُ خَيْرٌ لَهُ مِنَ الْحَيَاةِ.

کسی که دو روزش (از نظر رشد انسانی و کمال زندگی) یکسان باشد ضرر کرده و باخته است، هر کس که امروزش بهتر از دیروزش باشد مورد غبطه‌ی دیگران قرار می‌گیرد (و آرزو می‌کنند که مثل او باشند) و هر کس امروزش بدتر از دیروزش باشد محروم از رحمت خداست. هر کس که در وجود خود، افزایش و کمال را نبیند و حس نکند، رو به کاستی و نقصان است و هر کس رو به نقصان و کاهش باشد، مرگ برای او بهتر از زندگی است.

مهار خواسته‌های دل

قَالَ عَلِيُّ ؓ:

غَالِبِ الشَّهْوَةَ قَبْلَ قُوَّةِ ضَرَاوَتِهَا فَإِنَّهَا إِنِ
قَوِيَتْ [عَلَيْكَ] مَلَكَتْكَ وَاسْتَفَادَتْكَ وَ لَمْ
تَقْدِرْ عَلَى مُقَاوَمَتِهَا.

پیش از نیرومند شدن تمایلات نفسانی و شهوت، بر آن چیره و مسلط شو که اگر [بر تو] نیرومند شود؛ مالک تو می‌گردد و تو را به دنبال خود می‌کشد و قدرت مقاومت در برابر آن را نخواهی داشت.

صلاح درون و برون

قال رسول الله ﷺ:

طُوبَى لِمَنْ طَابَ خُلُقُهُ وَ طَهَّرَتْ سَجِيَّتَهُ وَ
صَلَحَتْ سَرِيرَتُهُ وَ حَسَنَتْ عِلَانِيَتَهُ وَ أَنْفَقَ
الْفَضْلَ مِنْ مَالِهِ وَ أَمْسَكَ الْفَضْلَ مِنْ قَوْلِهِ
وَ أَنْصَفَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ.

خوشا به حال کسی که اخلاقش پاکیزه باشد
و خصلت و رفتارش پاک، باطن و درونش
اصلاح شود و ظاهرش نیکو باشد، اضافه مالش
را انفاق کند، حرف اضافه‌اش را نگه دارد و
نگوید و با مردم با انصاف رفتار کند!

— قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام:

— إِذَا أَذْنَبَ الرَّجُلُ، خَرَجَ فِي قَلْبِهِ نُكْتَةٌ
سَوْدَاءٌ، فَإِنْ تَابَ انْمَحَتْ وَ إِنْ زَادَ، زَادَتْ
حَتَّى تَغْلِبَ عَلَى قَلْبِهِ فَلَا يُفْلِحُ بَعْدَهَا أَبَدًا.

— هرگاه کسی گناه کند نقطه‌ی سیاهی در دلش پدید می‌آید؛ اگر توبه کرد، آن سیاهی بر طرف می‌شود و اگر بیشتر گناه کرد، آن سیاهی در دل بیشتر می‌شود تا آن که همه‌ی دلش را می‌گیرد؛ دیگر پس از آن هرگز رستگار نمی‌شود.

شرم از رسول خدا ﷺ

قَالَ الْبَاقِرُ عليه السلام:

إِنَّ أَعْمَالَ الْعِبَادِ تُعْرَضُ عَلَى نَبِيِّكُمْ كُلِّ
عَشِيَّةٍ خَمِيسٍ فَلَيْسَتْحِي أَحَدُكُمْ أَنْ يُعْرَضَ
عَلَى نَبِيِّهِ الْعَمَلُ الْقَبِيحُ.

یقیناً کارهای بندگان، غروب هر پنجشنبه بر پیامبرتان عرضه و گزارش می‌شود؛ پس هر یک از شما شرم کند از این که "کار زشت" بر پیامبرش عرضه کند.

دنیا؛ نردبان آخرت

عَنْ عَلِيٍّ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «لَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا» قَالَ:

لَا تَنْسَ صِحَّتَكَ وَ قُوَّتَكَ وَ فَرَاعَكَ وَ شَبَابَكَ
وَ نَشَاطَكَ أَنْ تَطْلُبَ بِهَا الْآخِرَةَ.

امام علی علیه السلام درباره‌ی آیه‌ی (بهره خودت را از دنیا فراموش مکن) فرمود:

فراموش مکن که تندرستی، نیرو و توان، آسودگی جوانی و نشاط خود را وسیله‌ی آخرت طلبی قرار دهی.

داد و ستد با زمان

— قَالَ عَلِيٌّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ:

— إِنَّ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ يَعْمَلَانِ فِيكَ فَاعْمَلْ
فِيهِمَا وَ يَاخُذَانِ مِنْكَ فَخُذْ مِنْهُمَا.

— شب و روز در تو عمل می‌کنند؛ پس تو در شب
و روز عمل کن و از تو می‌گیرند و می‌کاهند؛ تو
هم از آن دو بهره بگیر!



مدیریت زمان

— قَالَ عَلِيٌّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ:

— مَنْ اشْتَغَلَ بِغَيْرِ الْمُهْمِّ ضَيَّعَ الْأَهْمَّ.

— هر کس که به کار بی‌اهمیت پردازد و [نیروی خود را صرف کارهای غیر مهم کند] کار مهم‌تر و لازم‌تر را تباه می‌کند.

قال الحُسَيْنُ عليه السلام:

إِفْعَلْ خَمْسَةَ أَشْيَاءَ وَ أَذْنِبْ مَا شِئْتَ فَأَوَّلُ

ذَلِكَ: لَا تَأْكُلْ رِزْقَ اللَّهِ وَ أَذْنِبْ مَا شِئْتَ.

وَالثَّانِي: أُخْرِجْ مِنْ وِلَايَةِ اللَّهِ وَ أَذْنِبْ مَا شِئْتَ.

وَالثَّلَاثُ: أَطْلُبْ مَوْضِعًا لَا يَرَاكَ اللَّهُ وَ أَذْنِبْ

مَا شِئْتَ.

وَالرَّابِعُ: إِذَا جَاءَ مَلِكُ الْمَوْتِ لِيَقْبِضَ رُوحَكَ

فَادْفَعْهُ عَنِ نَفْسِكَ وَ أَذْنِبْ مَا شِئْتَ.

وَالخَامِسُ: إِذَا أَدْخَلَكَ مَالِكٌ فِي النَّارِ فَلَا

تَدْخُلْ فِي النَّارِ وَ أَذْنِبْ مَا شِئْتَ.

[مردی خدمت امام حسین علیه السلام آمد و عرض کرد من مردی گنه‌کارم و قدرت ترک گناه ندارم، مرا موعظه‌ای فرما، حضرت سیدالشهدا علیه السلام فرمود:]

پنج کار انجام بده و هر چه می‌خواهی گناه کن.
اول: رزق و روزی خدا را نخور، هر چه می‌خواهی گناه کن.

دوم: از ولایت و قلمرو حکومت خدا بیرون برو، هر چه می‌خواهی گناه کن.

سوم: جایی را پیدا کن که خدا تو را نبیند، هر چه می‌خواهی گناه کن.

چهارم: وقتی فرشته‌ی مرگ (عزرائیل) برای قبض روح تو می‌آید، او را از خودت دور ساز، هر چه می‌خواهی گناه کن.

پنجم: وقتی مالک دوزخ تو را وارد جهنم می‌کند، اگر می‌توانی وارد نشو، هر چه می‌خواهی گناه کن.



معلم خویشتن

قَالَ عَلِيُّ ؓ:

مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا [فَلْيَبْدَأْ] بِتَعْلِيمِ
نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ، وَلْيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ
قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَ مَعْلَمٌ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ
بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ.

هر کس خود را پیشوای مردم قرار دهد؛ پیش
از آموختن دیگران، به آموزش خود پردازد، و
باید تربیت کردنش با سیرت و رفتارش، پیش
از تأدیب به زبانش باشد.
آن کس که معلم و مربی خویشتن است، به
احترام سزاوارتر است نسبت به کسی که معلم
و مربی مردم است.

قیمت انسان

قال علیؑ:

انَّهُ لَيْسَ لِأَنْفُسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ، فَلَا تَبِيعُوهَا إِلَّا بِهَا.

به یقین، بهای جان‌های شما چیزی جز «بهشت» نیست، پس خود را غیر از به بهشت نفروشید.

تقسيم فرصت:

قال الكاظم عليه السلام:

اجتهدوا في أن يكون زمانكم أربع ساعات:

ساعة لمناجاة الله،

و ساعة لأمر المعاش

و ساعة لمعاشرة الإخوان و الثقات الذين

يُعرفونكم عيوبكم و يخلصون لكم في الباطن،

و ساعة تخلون فيها لذاتكم في غير

محرّم، و بهذه الساعة تقدرون على الثلاثة

ساعات.

بکوشید که زمان و فرصت شما چهار بخش باشد: بخشى برای مناجات با پروردگار، بخشى برای کار زندگى، بخشى برای معاشرت با برادران و افراد مطمئنى که عیب‌های شما را به شما بشناسانند و در باطن نسبت به شما اخلاص داشته باشند. بخشى هم برای پرداختن به لذت‌ها و تفریحات غیر حرام. و با همین بخش است که بر انجام سه بخش دیگر نیز توانا خواهید شد.

[عَنِ الرَّسُولِ ﷺ] قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

لَا يَزَالُ عَبْدِي يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالنَّوَافِلِ حَتَّى
أَحِبَّهُ، فَإِذَا أَحَبَبْتُهُ كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ
بِهِ وَبَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ وَ لِسَانَهُ الَّذِي
يَنْطِقُ بِهِ.

پیامبر اکرم ﷺ این حدیث قدسی را از خدای متعال

روایت فرمود:

بنده‌ی من پیوسته با انجام نوافل‌ها به من نزدیک
می‌شود تا او را دوست می‌دارم. وقتی بنده‌ام را
دوست داشتم، گوش او خواهم بود که با آن
می‌شنود، چشم او خواهم بود که با آن می‌بیند
و زبان او خواهم بود که با آن سخن می‌گوید.

قَالَ الْكَاطِمُ ع:

يَا هِشَامُ! لَوْ كَانَ فِي يَدِكَ جَوْزَةٌ وَقَالَ
النَّاسُ إِنَّهَا لُؤْلُؤَةٌ مَا كَانَ يَنْفَعُكَ وَ أَنْتَ
تَعْلَمُ أَنَّهَا جَوْزَةٌ، وَ لَوْ كَانَ فِي يَدِكَ لُؤْلُؤَةٌ
وَ قَالَ النَّاسُ إِنَّهَا جَوْزَةٌ مَا ضَرَّكَ وَ أَنْتَ
تَعْلَمُ أَنَّهَا لُؤْلُؤَةٌ.

ای هشام! اگر در دست تو گردویی باشد، ولی مردم بگویند که گوهر است، حرف مردم سودی برای تو ندارد، وقتی خودت می‌دانی که گردوست. و اگر در دست تو یک لؤلؤ باشد، ولی مردم بگویند که گردوست، وقتی خودت می‌دانی که گوهر است، سخن مردم تو را زیان نمی‌رساند!

بهره‌گیری از زمینه‌ها

قَالَ عَلِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ:

الآنَ فَاعْمَلُوا، وَالْأَلْسُنُ مُطْلَقَةٌ، وَالْأَبْدَانُ
صَحِيحَةٌ، وَالْأَعْضَاءُ لَدَنَةٌ، وَالْمُنْقَلَبُ فَسِيحٌ،
وَالْمَجَالُ عَرِيضٌ.

هم اکنون عمل کنید؛ که زبان‌ها باز و رهاست،
و بدن‌ها سالم و اندام‌ها نرم و انعطاف پذیر، و
زمینه‌ی دگرگونی گسترده، و مجال، گسترده و
وسیع است.

قَالَ الْعَسْكَرِيُّ رضی اللہ عنہ:

إِنَّ لِلْسَّخَاءِ مِقْدَارًا فَإِنْ زَادَ عَلَيْهِ فَهُوَ سَرَفٌ،
وَلِلْحَزْمِ مِقْدَارًا فَإِنْ زَادَ عَلَيْهِ فَهُوَ جُبْنٌ، وَ
لِلْاِقْتِصَادِ مِقْدَارًا فَإِنْ زَادَ عَلَيْهِ فَهُوَ بُخْلٌ، وَ
لِلشَّجَاعَةِ مِقْدَارًا فَإِنْ زَادَ عَلَيْهِ فَهُوَ تَهَوُّرٌ.

سخاوت و بخشش، حدّ و اندازه‌ای دارد، اگر از آن بگذرد، اسراف است.
حزم و دوراندیشی، اندازه و حدّی دارد، اگر بیش از آن باشد، ترس است.
اقتصاد و میانه‌روی هم حدّی دارد، اگر از آن بگذرد، بخل است.
و شجاعت و دلیری هم مقدار و اندازه‌ای دارد، اگر از آن حدّ بگذرد، بی‌باکی است.

قَالَ الْبَاقِرُ :

إِنَّ هَذَا اللِّسَانَ مِفْتَاحُ كُلِّ خَيْرٍ وَ شَرٍّ، فَيَنْبَغِي
لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَخْتِمَ عَلَى لِسَانِهِ كَمَا يَخْتِمُ عَلَى
ذَهَبِهِ وَ فِضَّتِهِ.

همانا این زبان، کلید هر نیک و بد و خیر و شر است؛ پس سزاوار است که مؤمن بر زبان خویش مهر بزند، همان گونه که بر طلا و نقره اش لاک و مهر می زند.

انتخاب همنشین

قَالَ عَلِيُّ ؓ:

صُحْبَةُ الْأَشْرَارِ تَكْسِبُ الشَّرَّ، كَالرِّيحِ إِذَا
مَرَّتْ بِالنَّتَنِ حَمَلَتْ نَتْنًا
صُحْبَةُ الْأَخْيَارِ تَكْسِبُ الْخَيْرَ، كَالرِّيحِ إِذَا
مَرَّتْ بِالطَّيِّبِ حَمَلَتْ طَيِّبًا.

هم‌نشینی با بدان، [برای انسان] بدی می‌آورد؛
مثل باد، که وقتی بر بوی بد می‌گذرد، با خودش
عفونت می‌آورد.
و همنشینی با نیکان، نیکی می‌آورد؛ مثل باد،
که وقتی بر بوی خوش بگذرد، با خودش بوی
خوش به همراه می‌آورد.

۳۱ ارزش لحظات

— قَالَ عَلِيٌّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ:

— إِنَّ أَنْفَاسَكَ أَجْزَاءُ عُمُرِكَ، فَلَا تُفْنِهَا إِلَّا فِي طَاعَةٍ تُزِلُّكَ.

— نَفَس‌های تو، اجزا و بخش‌های عمر توست؛ پس این نَفَس‌ها را جز در مسیر طاعتی که تو را به خدا نزدیک کند، از دست مده و صرف مکن.



واعظ درونی

قَالَ الْبَاقِرُ عليه السلام:

مَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللهُ لَهُ مِنْ نَفْسِهِ وَاِعْظًا، فَإِنَّ
مَوَاعِظَ النَّاسِ لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُ شَيْئًا.

هر کس را که خداوند، برای او از خودش موعظه
کننده‌ای قرار نداده باشد؛ به یقین، موعظه‌های مردم
هیچ به درد او نخواهد خورد!

قَالَ الصَّادِقُ (ع):

إِذَا صَلَّيْتَ صَلَاةً فَرِيضَةً فَصَلِّهَا لَوَقْتِهَا صَلَاةً
مُودِعٍ يَخَافُ أَنْ لَا يَعُودَ إِلَيْهَا أَبَدًا، ثُمَّ اصْرِفْ
بَصْرَكَ إِلَى مَوْضِعِ سُجُودِكَ، فَلَوْ تَعَلَّمُ مَنْ عَنِ
يَمِينِكَ وَشِمَالِكَ لِأَحْسَنَتِ صَلَاتِكَ، وَأَعْلَمُ
أَنَّكَ بَيْنَ يَدَيِ مَنْ يَرَاكَ وَلَا تَرَاهُ.

هرگاه نماز واجب بخوانی، آن را در وقتش
بخوان؛ آن هم مثل نماز کسی که با نماز وداع
می‌کند و بیم آن دارد که دیگر هرگز فرصت
نماز نیابد(و آخرین نماز اوست)، سپس نگاهت
را به محل سجدهات بگردان! اگر می‌دانستی که
در طرف راست و چپ تو کیست، نمازت را
بهتر می‌خواندی؛ بدان که در نماز، در برابر
کسی ایستاده‌ای که تو را می‌بیند، ولی تو او
را نمی‌بینی.

عیب خویش

قالَ عَلِيُّ عليه السلام:

مَنْ أَبْصَرَ عَيْبَ نَفْسِهِ شُغِلَ عَنْ عَيْبِ غَيْرِهِ وَ
 مَنْ تَعَرَّى مِنْ لِبَاسِ التَّقْوَى لَمْ يَسْتَتِرْ بِشَيْءٍ
 مِنْ اللَّبَاسِ وَ مَنْ رَضِيَ بِقَسَمِ اللَّهِ لَمْ يَحْزَنْ
 عَلَيَّ مَا فَاتَهُ.

هر کس عیب خویش را ببیند؛ از عیب دیگری غافل می‌شود، هر کس از جامه‌ی تقوا عریان باشد؛ هیچ لباسی او را نخواهد پوشاند و هر کس به تقسیم الهی راضی باشد؛ اندوه آنچه را که از دست می‌دهد نخواهد خورد.

قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام:

فَانظُرْ كَيْفَ تَقْرَأُ كِتَابَ رَبِّكَ وَ مَنْشُورَ وَلَايَتِكَ
وَ كَيْفَ تُجِيبُ أَوْامِرَهُ وَ نَوَاهِيَهُ وَ كَيْفَ تَمْتَثِلُ
حُدُودَهُ... فَارْتَلُهُ تَرْتِيلاً وَقِفْ عِنْدَ وَعْدِهِ وَ وَعِيدِهِ
وَ تَفَكَّرْ فِي أَمْثَالِهِ وَ مَوَاعِظِهِ وَ احْذَرْ أَنْ تَقَعَ مِنْ
إِقَامَتِكَ حُرُوفَهُ فِي إِضَاعَةِ حُدُودِهِ.

نیک بنگر که کتاب پروردگارت و منشور و لاییت را چگونه می‌خوانی؟ و فرمان‌ها و نهی‌های آن را چگونه پاسخ می‌دهی و حد و حدود آن را چگونه اطاعت می‌کنی؟...

پس قرآن را با درنگ و ترتیل بخوان، کنار وعده‌ها و وعیدهایش درنگ و تأمل کن، در مثل‌ها و پندهایش بیاندیش، مبدا با برپایی حروف و قرائت، در تباه ساختن حدود و محتوا بیفتی!

برای خدا

— قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

— مَنْ أَحَبَّ فِي اللَّهِ وَابْغَضَ فِي اللَّهِ وَأَعْطَى فِي اللَّهِ
وَمَنَعَ فِي اللَّهِ فَهُوَ مِنَ الْأَصْفِيَاءِ.

— هر کس در راه خدا دوست بدارد و در راه خدا دشمن بدارد، در راه خدا ببخشد و به خاطر خدا از دادن امساک کند؛ پس او از برگزیدگان است.

قَالَ الصَّادِقُ (ع):

خَفِ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ وَ إِنْ كُنْتَ لَا تَرَاهُ فَإِنَّهُ
يَرَاكَ، فَإِنْ كُنْتَ تَرَى أَنَّهُ لَا يَرَاكَ فَقَدْ كَفَرْتَ، وَ
إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّهُ يَرَاكَ ثُمَّ بَرَزْتَ لَهُ بِالْمَعْصِيَةِ،
فَقَدْ جَعَلْتَهُ مِنْ أَهْوَنِ النَّاطِرِينَ عَلَيْكَ.

از خداوند بترس، آن‌چنان که گویا او را می‌بینی،
و اگر تو او را نمی‌بینی، او تو را می‌بیند. پس
اگر خیال کنی که تو را نمی‌بیند، کافر شده‌ای،
و اگر می‌دانی که تو را می‌بیند، ولی باز هم با
گناه با او روبه‌رو می‌شوی؛ پس او را ناچیزترین
نگاه‌کنندگان قرار داده‌ای!

— قَالَ الْبَاقِرُ علیه السلام:

— أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَا دَاوَمَ عَلَيْهِ الْعَبْدُ وَإِنْ قَلَّ.

— محبوب‌ترین کارها نزد خدای متعال، عملی است که بنده بر آن مداومت و استمرار داشته باشد؛ هر چند اندک باشد.

خودخواهی و دیگرخواهی

قَالَ عَلِيٌّ عليه السلام:

اجْعَلْ نَفْسَكَ مِيزَانًا فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ
غَيْرِكَ، فَاحْبِبْ لِغَيْرِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ،
وَ اَكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لِنَفْسِكَ،
وَ لَا تَظْلِمْ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُظْلَمَ،
وَ أَحْسِنْ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسَنَ إِلَيْكَ،
وَ اسْتَقْبِحْ مِنْ نَفْسِكَ مَا تَسْتَقْبِحُ مِنْ غَيْرِكَ.

امام علی علیه السلام در وصیت خویش به فرزندش امام حسن علیه السلام فرمود:
"خود" را میزان و معیار بین خودت و دیگران
قرار بده!
آنچه برای خودت می‌پسندی برای غیرخودت
هم بپسند!
آنچه برای خود نمی‌پسندی برای دیگران هم
مپسند!
همان‌طور که دوست نداری به تو ظلم کنند، تو
هم ظلم نکن و آن‌چنان که دوست داری به تو
نیکی کنند، تو هم نیکی کن!
و کاری را که از دیگران زشت و ناپسند می‌شماری،
از خودت نیز ناپسند بشمار!

قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام:

يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَكُونَ فِيهِ ثَمَانِي خِصَالٍ:
وَقُورًا عِنْدَ الْهَزَاهِزِ، صَبُورًا عِنْدَ الْبَلَاءِ،
شُكُورًا عِنْدَ الرَّخَاءِ، قَانِعًا بِمَا رَزَقَهُ اللَّهُ،
لَا يَظْلُمُ الْأَعْدَاءَ وَلَا يَتَحَامَلُ لِلأَصْدِقَاءِ،
بَدَنُهُ مِنْهُ فِي تَعَبٍ وَالنَّاسُ مِنْهُ فِي رَاحَةٍ.

سزاوار است که در مؤمن هشت خصلت و
صفت باشد:

در لرزش‌ها و فراز و نشیب‌ها وقار داشته باشد.
هنگام بلا صبور باشد.

هنگام آسایش شکور و سپاسگزار باشد.

به آنچه خداوند روزی‌اش کرده، قانع باشد.

به دشمنان ستم نکند.

برای دوستان، خود را به تکلف بیاندازد.

بدنش از او در رنج باشد.

و مردم از دست او در آسایش باشند.

مجموعه گل

- | | |
|-----------------|--|
| - مؤمن | - حُسن ظن |
| - صبر | - سوء ظن |
| - گناه | - لقمه |
| - صله ی رحم | - همنشین |
| - توبه | - جلوه ی جلال |
| - راستگویی | - جلوه ی جمال |
| - سخاوت و انفاق | - راه و همراه |
| - خوف و رجاء | - برکت |
| - ذکر | - همسایه |
| - اخلاص | - بلا |
| - توکل | - سکوت و کلام |
| - دروغ | - نماز شب |
| - فرزندان | - حب اهل بیت <small>علیهم السلام</small> |
| - نماز | - معیارها |
| - حیا | - نشاط و غم |
| - ازدواج | - حُسن خُلق |
| - ادب | - دو گوهر |
| - انتظار فرج | - تهذیب |
| - غدیر | - ساده زیستی |
| - معاشرت | - کلام وحی |
-

